



آشنایی با هدایت الهی و نحوه انتقال آن به انسان و نسبت میان قدرت خدا و بندگی او

داشتم به این فکر می کردم چقدر باید خدا را شکر کنم که سؤال ها و جواب های زیبا را سر راهم قرار داد. چقدر دوست دارم که همه بچه ها حداقل یک بار وارد دنیای این سؤال و جواب ها شوند. در همین فکرها بودم که یکی از سؤال ها نزدیک آمد و پرسید: «خدا بندگان را چگونه هدایت می کند؟»

جواب سؤال که در کنارش بود، گفت: «خدا پیامبرانش را فرستاده و کتاب آسمانی هم به آنها داده تا مردم را هدایت کنند.»^۱

قرآن چگونه کتابی است؟
به جواب گفتم کمی صبر کند. داشتم فکر می کردم به قرآنی که در خانه یکایک ماست، کتابی که تک تک کلماتش را خدا برای ما فرستاده تا شیوه درست زندگی کردن را به ما بیاموزد. جواب چند دقیقه ای سکوت کرد و بعد ادامه داد:

— خدا علاوه بر پیامبر و کتاب آسمانی، امامانی را هم تعیین کرده تا راه ها و بیراهه های زندگی را به ما نشان دهند. اگر کسی از پیامبر و امامان اطاعت کند، مثل این است که از خدا اطاعت کرده و از راه درست، خارج نشده است. **خداوند چه کسانی و چه چیزهایی را برای هدایت انسان ها فرستاد؟**

فَإِنِّي لَكُمْ مُطِيعٌ، مَنْ أَطَاعَكُمْ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَ مَنْ عَصَاكُمْ فَقَدْ عَصَى اللَّهَ.^۲
من فرمانبردار شما [امامان] هستم. هرکسی از شما اطاعت کند، حتماً از خدا اطاعت کرده و هرکسی از فرمان شما سرپیچی کند، از خدا سرپیچی کرده است.



۱- سورة آل عمران، آیه ۱۶۴.

۲- زیارت جامعه کبیره.

سراپا گوش بودم که جواب گفت: همان گونه که شناخت خدا لازم است، پیامبر و امامان را نیز باید شناخت. باید درباره آنها مطالعه کرد و از شخصیت و روش زندگی شان آگاه شد. راست می گفت. درست است که من پیامبر و امامان را دوست داشتم، اما این کافی نبود. دوست داشتن را باید به وسیله شناخت تکمیل می کردم.

جواب ادامه داد: **در امر هدایت، عقل چه کمکی به انسان می کند؟**

— خدا به انسان عقل هم داده تا قدرت اندیشیدن برای تشخیص خوبی ها و بدی ها را داشته باشد و همچنین بتواند دستورات قرآن و پیامبر و امامان را بفهمد. چه خدای خوبی داریم! فکر همه جا را کرده است.

نقشه مفهومی

نقشه مفهومی زیر را براساس شیوه های هدایت الهی که در این درس آموختید، کامل کنید.



درست وقتی حالم خیلی خوب شده بود و لبخند رضایت مندانه ای هم روی صورتم بود، سروکله و سوسه ها پیدا شد؛ ولی این بار مثل دفعات قبل از آنها نمی ترسیدم. یکی شان جلو آمد و گفت: «دینی که برای ۱۴۰۰ سال پیش است، مگر می تواند برنامه زندگی امروز ما را تعیین کند؟»

و قتش بود سؤال ها و جواب های زیبا خودی نشان دهند. ظاهر شدند و یکی از سؤال های زیبا پرسید: «مگر همه چیز با گذر زمان عوض می شود؟ مثلاً مگر زشتی ظلم و بی رحمی، یا زیبایی عدالت و مهربانی در گذر زمان تغییر می کنند؟»

در ذهنم مثال‌ها را ادامه دادم؛ راست‌گویی و دروغ‌گویی، خیانت و امانت‌داری، رازداری و افشای اسرار دیگران. درست بود؛ خوبی‌ها همیشه خوب می‌مانند و بدی‌ها هم همیشه بد هستند. بسیاری از دستورات دین درباره همین چیزهاست که با گذر زمان تغییری نمی‌کنند. در همین فکرها بودم که یکی از جواب‌ها گفت: «البته، حتماً در گذر زمان، چیزهای جدیدی می‌آید، ولی قانون‌ها که عوض نمی‌شوند، مثلاً برای مسلمانان واجب است که از نظر دفاعی، خودشان را قوی کنند. این دستوری است که ربطی به دیروز و امروز ندارد. در گذشته، تجهیزات دفاعی کشور را اسب و نیزه و شمشیر و زره تشکیل می‌داده، امروزه تفنگ و تانک و موشک.» و سوسه که دید حرفی برای گفتن ندارد، به سرعت از پیش ما رفت، نمی‌دانم کجا.

مواردی را بنویسید که در گذر زمان ابزارهای جدیدی می‌آیند ولی قانون آن عوض نمی‌شود؟

ایستگاه تفکر

فضای مجازی یکی از تغییرات زندگی امروزی نسبت به گذشته است. براساس آموزه‌هایی چون راست‌گویی و امانت‌داری و زشتی افشای اسرار دیگران که در دستورهای دینی آمده است، شیوه‌های رفتاری شایسته در این فضا را ارائه دهید.

سخنی با والدین

با سؤالات و شبهات اعتقادی فرزندان چگونه برخورد کنیم؟
(با استفاده از این رمزینه به پاسخ این سؤال گوش کنید.)





قصه: می خواستیم نماز مان را به فارسی بخوانیم!

ماجرا از آنجا شروع شد که ما پانزده نفر به این نتیجه رسیدیم که خواندن نماز به زبان عربی لازم نیست، بلکه بهتر است نماز مان را به زبان فارسی بخوانیم. از همان روز، در خانه هایمان غوغایی به پا شد و پدر و مادرهایمان از ما رنجیدند. هر چه نصیحتمان کردند، فایده ای نداشت. وقتی دیدند بر تصمیم مان پافشاری می کنیم، ما را پیش یک عالم دینی بردند. نام او آیت الله حاج آقا رحیم ارباب بود. حاج آقا ارباب در علوم اسلامی مختلفی به درجه استادی رسیده بود. حتی در علم ریاضی هم شهرت داشت.

همراه والدینمان به خانه او رفتیم و خوش رویی اش ما را به خود جذب کرد. بعد از پذیرایی، حاج آقا رحیم به والدینمان رو کرد و گفت: «شما که فعلاً نمازتان را فارسی نمی خوانید، پس تشریف ببرید و مرا با فرزندانتان تنها بگذارید.»

آنها که رفتند، حاج آقا رحیم ارباب با چهره ای گشاده از ما خواست تا خودمان را معرفی کنیم. سپس سؤالاتی پرسید که با رشته تحصیلی مان تناسب داشت. از یکی درباره فیزیک، از دیگری درباره شیمی و از بعدی هم درباره زیست شناسی. ما جواب ها را بلد نبودیم، اما خود او جواب تک تک سؤالات را می دانست. انگار می خواست به ما بگوید من تمام این درس ها را خوانده ام ولی مثل شما مغرور نشده ام.

سرانجام به سراغ مسئله اصلی رفتیم؛ یعنی نماز خواندن به زبان فارسی. او گفت: «والدینتان نگران این هستند که شما نمازتان را به زبان فارسی می خوانید. آنها خبر ندارند من کسانی را می شناسم که اصلاً نماز نمی خوانند. به نظر من، شما اعتقادتان پاک است و همت بلندی دارید.» باورمان نمی شد یک عالم این قدر ما را تحویل بگیرد، پس خوشمان آمد و خوب حواسمان را جمع کردیم تا ببینیم چه می گوید. حرفش را ادامه داد:

– من هم وقتی جوان بودم، می خواستم نماز را فارسی بخوانم اما نشد. آفرین به شما که توانسته اید این کار را انجام بدهید. **مهم ترین مشکل نماز خواندن با ترجمه نماز را بنویسید.** از شدت خوشحالی، پاهایمان روی زمین بند نبود؛ پَر درآورده بودیم، می خواستیم پرواز کنیم. از طرفی، کنجکاو بودیم که بدانیم حاج آقا رحیم با چه مشکلاتی روبه رو شده بودند. سرانجام پرسیدیم و حاج آقا رحیم هم جواب داد. او گفت: «مهم ترین مشکل ترجمه درست سوره حمد بود. حتماً شما این مشکل را حل کرده اید؛ به عنوان مثال، ترجمه بسم الله را بگویید.»

در ترجمه عبارت «بسم الله الرحمن الرحيم» چه مشکلاتی می توان ذکر کرد؟

یکی از ما سریع دستش را بالا گرفت، بعد هم صدایش را صاف کرد و مغرورانه گفت: «بسم الله می شود به نام خدا.»

حاج آقا رحیم لبخند به لب گفت: «اینکه بسم را به نام معنا کرده اید، اشکالی ندارد، اما «الله» قابل ترجمه نیست، زیرا اسم خاص خداست و اسم خاص را نمی توان معنا کرد، مثلاً اگر اسم کسی حسن باشد، درست است که ترجمه اسمش «زیبا» است، اما نمی شود که او را زیبا صدا زد. «او بدون معطلی، سؤال بعدی اش را پرسید: «بگوئید بینم کلمه رحمان را چه ترجمه کرده اید؟» دوستان دیگر نه تنها غروری در صدایش نبود، بلکه خیلی کوتاه جواب داد: «بخشنده.» حاج آقا رحیم ارباب گفت: «این ترجمه بد نیست، ولی کامل هم نیست، زیرا رحمان به معنای مهربانی خدا نسبت به همه بندگان است، مثلاً باران روی سر همه می بارد؛ چه مسلمان، چه کافر، چه خوب، چه بد. در حالی که کلمه بخشنده، این معنای همگانی بودن را نمی رساند. حالا بگوئید کلمه رحیم را چه ترجمه کرده اید؟»

همان دوستان باز بدون غرور و به همان کوتاهی قبل، جواب داد: «مهربان.» حاج آقا رحیم ارباب گفت: «اگر منظورتان از رحیم من بودم، بدم نمی آمد اسمم را به «مهربان» برگردانید. اما چون رحیم، نام پروردگار است، نباید آن را غلط ترجمه کنیم. رحیم یعنی خدایی که آن دنیا گناهان مؤمنان را می بخشد، ولی کلمه مهربان این معنا را نمی رساند. قبول دارید؟» بله، قبول داشتیم، اما همگی هاج و واج و ساکت، به حرف های منطقی حاج آقا گوش می دادیم. حاج آقا رحیم ادامه داد:

«پس ترجمه شما برای بسم الله الرحمن الرحيم، کامل نیست. اگر درباره ترجمه بقیه آیات این سوره هم حرف بزنیم، می بینید که اشکالات کار، خیلی بیشتر می شود. تا اینجا که همه خجالت زده و شکست خورده بودیم. به همین خاطر، حرفش را تأیید کردیم و گفتیم تصمیم مان تغییر کرده و دیگر اصرار نداریم نمازمان را به زبان فارسی بخوانیم. همان عربی اش بهتر است.»

حاج آقا رحیم هم باروی گشاده، ما را تادم در بدرقه کرد و بعدش هر کدام به خانه خودمان برگشتیم.^۱

برداشت من

در خاطره ای که خواندید، کدام یک از رفتارهای حاج آقا رحیم ارباب، برایتان جالب تر بود؟ چرا؟

۱- خاطره به نقل از دکتر محمد جواد شریعت، روزنامه کیهان، ۷ مهرماه ۱۴۰۰.



مناجات

خوشبخت است کسی که با شماست

سَعَدَ مَنْ وَالَاكُمْ وَ هَلَكَ مَنْ عَادَاكُمْ وَ خَابَ مَنْ جَحَدَكُمْ وَ
صَلَّ مَنْ فَارَقَكُمْ وَ فَازَ مَنْ تَمَسَّكَ بِكُمْ وَ آمِنَ مَنْ لَجَأَ إِلَيْكُمْ

ترجمه آزاد: هرکس شما را دوست داشته باشد، خوشبخت است و هرکس با شما دشمن باشد، نابود می شود. شما ارزشمندترین سرمایه خدا هستید که او در اختیار همه انسان ها قرار داده. کسی که این سرمایه را انکار کند، زیان می بیند. شما راه رسیدن به خدا هستید. کسی که از شما جدا شود، راه را گم خواهد کرد. ما تنها زمانی که به شما پناه می آوریم، احساس امنیت می کنیم.

برای من همیشه تکیه گاهی ندارم غیر از آغوش پناهی
جزای دوستان تو بهشت است سزای دشمنان تو تباهی

یوسف رحیمی

زیارت جامعه کبیره، زیارت نامه ای که از امام هادی (ع) به ما رسیده. با این زیارت نامه می شه همه امامان رو زیارت کرد. به همین دلیل هم بهش می گن جامعه؛ یعنی جم کنند.

این زیارت نامه در حکم یک کتاب امام شناسیه. کسی که به مفاهیم این زیارت نامه دقت و در اونها فکر کنه، می تونه برخی از مقامات ائمه معصومین رو درک کنه. تو این زیارت نامه علاوه بر معرفی امامان، وظایف ما در مقابل اونها هم بیان شده.

بخشی از زیارت جامعه کبیره، مفاتیح الجنان

احکام: بلوغ و تقلید

حاج آقای محمدی به تمیز بودن مسجد، حساس بود و می گفت: «خدا دوست دارد ما به خانه اش احترام بگذاریم. مستحب است مسجد را تمیز نگه داریم، وقتی هم که به مسجد می آییم، لباس های پاکیزه بپوشیم.»

مردم هم از این حساسیت حاج آقا راضی بودند. گاهی حاج آقای محمدی آستین بالا می زد و از سرویس های بهداشتی تا کتابخانه مسجد را خودش تمیز می کرد. شب قبل از نظافت، به مردم خبر می داد فردا می خواهد مسجد را تمیز کند. هرکسی هم که دوست داشت، برای کمک می آمد. معمولاً ما نوجوان ها پیش قدم بودیم. همراهی با حاج آقای محمدی هیجان انگیز بود؛ هم شوخی و خنده داشت و هم آموزش.

آن روز هم که نوبت نظافت مسجد بود، حاج آقا زودتر از ما آمده بود و داشت کتابخانه مسجد را گردگیری می کرد. سلام کردیم و به او ملحق شدیم. گردگیری هر طبقه از کتابخانه، به یک نفر واگذار شد. من مشغول گردگیری بخش مربوط به رساله ها بودم.

یکی از دوستانم که کتاب های قفسه بغلی را گردگیری می کرد، گفت: «این همه رساله به چه درد می خورد؟ فقط یکی شان را نگه داریم، بقیه را از اینجا برداریم؛ کتابخانه هم خلوت می شود.» خادم مسجد با یک سینی چای خوش رنگ آمد و همه به طرف او رفتیم. اصلاً یادمان رفت مشغول گردگیری بوده ایم. چای هایش خوردن داشت. حاج آقا هم یک استکان چای برداشت و گفت: «هرکسی با رسیدن به سن بلوغ، باید یک مرجع تقلید برای خودش انتخاب کند. هر مرجع تقلیدی هم برای خودش یک رساله نوشته است. پس ما باید اینجا رساله تمام مراجع را داشته باشیم.»

نشانه های سن بلوغ را بنویسید.

یکی دیگر از بچه ها گفت: «آدم از کجا می فهمد که به سن بلوغ رسیده است؟» حاج آقا گفت: «بلوغ شرعی سه نشانه دارد که اگر کسی یکی از آنها را داشت معلوم می شود که به بلوغ رسیده: ۱- روییدن مو در برخی قسمت های بدن، ۲- فعال شدن برخی هورمون ها در بدن که نشانه های آن در پسران و دختران متفاوت است، ۳- رسیدن به سن بلوغ که برای پسران پایان پانزده سال قمری^۱ و برای دختران پایان نه سال قمری^۲ است.»

۱- یعنی چهارده سال و شش ماه و پانزده روز شمسی.

۲- یعنی هشت سال و هشت ماه و بیست و یک روز شمسی.

آیا حرف مراجع تقلید با همدیگر فرق دارد که هر کدامشان یک رساله می‌نویسند؟

یکی دیگر از بچه‌ها گفت: «مگر حرف مراجع تقلید با همدیگر فرق دارد که هر کدامشان یک رساله می‌نویسند؟»

حاج آقا گفت: «نظر مراجع درباره خیلی از مسائل شرعی، شبیه به هم است. فقط در برخی موارد، تفاوت‌هایی وجود دارد، مثلاً بعضی‌ها می‌گویند برای غسل کردن، ابتدا باید سر و گردن، بعد سمت راست بدن و در پایان هم سمت چپ بدن شسته شود. اما بعضی مراجع دیگر می‌گویند ابتدا باید سر و گردن و بعد از آن، بدن شسته شود و نیازی نیست که بین سمت چپ و راست، ترتیبی رعایت کنیم.»

تفاوت نظر مراجع در باره غسل را بنویسید.

چندتا از بچه‌ها چایشان را خورده بودند و باز هم مشغول کار شده بودند. من از حاج آقا پرسیدم: «چرا این تفاوت‌ها وجود دارد؟»

حاج آقا با نگاهی به استکان چای و قندی که در دست من بود، گفت: «هم چایمان سرد شد و هم کارهایمان مانده است. بقیه سؤال و جواب‌ها بماند برای بعد. عیبی که ندارد؟»

ایستگاه تفکر

غیر از احکام شرعی که ما در آنها به مرجع تقلید اعتماد می‌کنیم، در چه موارد دیگری، به کارشناسان مراجعه می‌کنیم؟ سه مورد را بیان کنید.



۱ ❖ خداوند چگونه بندگان را هدایت می کند؟

خدا پیامبران را فرستاده و کتاب آسمانی هم به آنها داده تا مردم را هدایت کنند. علاوه بر اینها امامانی هم تعیین کرده تا راه ما و بیراهه های زندگی را به ما نشان دهد. خدا به انسان عقل هم داده تا قدرت اندیشیدن داشته باشد و بتواند دستورات قرآن و پیامبر و امامان را بفهمد.

۲ ❖ توضیح دهید آیا می توان برای زندگی در دنیا، امروز، از دین که

بله. اول این که با گذر زمان همه چیز عوض نمی شود. مثل زشتی ظلم و بی رحمی یا زیبایی عدالت و مهربانی در گذر زمان تغییر نمی کند.

دوم این که درست است که در گذر زمان ابزار جدید می آید، ولی همه قانون ها عوض نمی شوند. مثلاً بر مسلمانان واجب است که از نظر دفاعی، خودشان را قوی کنند. این دستور ربطی به دیروز و امروز ندارد. در گذشته، تجهیزات دفاعی کشور اسب و نیزه و زره بوده، امروزه تفن و تانک و موشک.

۳ ❖ مجید و رضا بعد از استنایی با شیوه های هدایت الهی تصمیم گرفتند در

اوقات فراغت به خواندن داستان هایی درباره امامان علیهم السلام بپردازند. توضیح

دهید آنها چه دلیلی برای تصمیم خود دارند؟

همان گونه که شناخت خدا لازم است، پیامبر و امامان را نیز باید شناخت. باید درباره آنها مطالعه کرد و از شخصیت و روش زندگی شان آگاه شد.

۴ ❖ حبیب می خواهد خواهرش را از نماز خواندن به زبان فارسی منصرف

کند. شما با ارائه دلایل منطقی، به او کمک کنید.

۵ ❖ نشانه های بلوغ شرعی را بنویسید.

فعالیت های عملکردی

پژوهش (فردی / گروهی)

در مورد شخصیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام پژوهش کنید و در یکی از قالب های نوشته، انیمیشن، اینفوگرافیک، روزنامه دیواری و... ارائه دهید.

محورهای اصلی درس سوم:

۱- از ابتدای خلقت انسان تا قیام قیامت، خدا از هدایت انسان غافل نیست.

۲- به هدایت هیچ کس جز خدا نمی توان اعتماد کرد.

۳- پیامبران و کتاب های آسمانی از راه های هدایت انسان اند که از طرف خدا آمده اند.

۴- امامان که در اصل جانشینان پیامبر خدا هستند، ادامه هدایتی هستند که خدا به وسیله پیامبر خدا برای انسان آورده است.

۵- عقل از حجت های باطنی خدا است که وسیله فهم و درک الهی است.

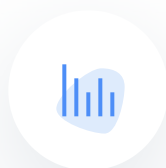
۶- دین قاعده های کلی را برای درست کردن زندگی به انسان یاد می دهد و انسان می تواند با اتکا به قاعده های کلی ، حکم مسایلی را که در گذشته نبوده، به دست بیاورد.

۷- معبودی که می پرستیم ، باید قدرتمند ترین باشد تا ما بتوانیم با پشتیبانی او با مشکلات و موانعی که بر سر راه بندگی پیش می آید، بجنگیم.



اپلیکیشن درسی همیار

برنامه رایگان درسی همیار



تمام پایه ها

جواب کتاب ، تدریس و نمونه سوال



همیشه رایگان

برنامه همیار کاملا رایگان میباشد